



و روح نیز در ضعف ما به یاری‌مان می‌آید، زیرا نمی‌دانیم چگونه باید دعا کنیم. اما روح با ناله‌هایی بیان‌ناشدنی، برای ما شفاعت می‌کند. 27. و او که کاوشگر دلهاست، فکر روح را می‌داند، زیرا روح مطابق با اراده خدا برای مقدسین شفاعت می‌کند. 28. می‌دانیم در حق آنان که خدا را دوست می‌دارند و بر طبق اراده او فرا خوانده شده‌اند، همه چیزها با هم برای خیریت در کار است. 29. زیرا آنان را که از پیش شناخت، ایشان را همچنین از پیش معین فرمود تا به شکل پسرش در آیند، تا او فرزند ارشد از برادران بسیار باشد. 30. و آنان را که از پیش معین فرمود، همچنین فرا خواند؛ و آنان را که فرا خواند، همچنین پارسا شمرده؛ و آنان را که پارسا شمرده، همچنین جلال بخشید.

یعقوب در شرایط بسیار سختی قرار دارد. او انقدر بدهی‌های زیادی دارد که حالا نمی‌داند چگونه آن‌ها را پرداخت کند. حتی بهترین دوستانش دیگر نمی‌توانند کمک کنند. و اکنون راهی جز دعا باقی نمانده است. یعقوب دعا می‌کند. مدت زیادی دعا می‌کند تا اینکه از دعا کردن خسته می‌شود. او در پایان قدرت خود است و فقط می‌تواند درماندگی خود را به آسمان فریاد بزند. همه ما چنین موقعیت‌هایی را می‌شناسیم که یعقوب تجربه می‌کند. در واقع می‌توان تمام زندگی ما را اینگونه خلاصه کرد. همیشه شرایطی هست که نمی‌توانیم به موفقیت برسیم و ناامیدی یا حتی شکست کامل به وجود می‌آید. و آن وقت فقط می‌توانیم آه بکشیم... «آه خدا! و پولس رسول در موعظه امروز دقیقاً از چنین ناله‌ای صحبت می‌کند. جالب اینجاست که از ناله‌ها صحبت نمی‌کند، بلکه ناله‌ی روح القدس را تعریف می‌کند. ناله روح القدس که در درون ماست. و پولس به ما می‌گوید: وقتی اوضاع واقعاً بد است و ما فقط می‌توانیم ناله کنیم، این خداست که در ما دعا می‌کند و ما را در آغوش می‌گیرد. این یک تصویر فوق‌العاده است و توضیح می‌دهد چگونه ما کاملاً در دستان خدا هستیم. وقتی یک سنگتراش مجسمه‌ای را با میخ و چکش می‌تراشد، اتفاقی بسیار مشابه آن می‌افتد. ابتدا سنگ تراش سنگی را در خاک و گل پیدا می‌کند. سنگتراش به خاک و گل در اطراف سنگ اهمیتی نمی‌دهد. در عوض، او می‌تواند تصور کند سنگ کثیف را به چه شکلی تبدیل خواهد کرد. برای همین اصلاً خجالت نمی‌کشد داخل خاک برود و سنگ را بیرون بیاورد تا به کارگاه خود بیاورد. سنگتراش در کارگاه خود با چکش و میخ کار می‌کند. کار او سخت است و سنگ هنوز خوب به نظر نمی‌رسد. اما هیچ کدام از اینها سنگتراش را آزار نمی‌دهد. او همیشه این تصویر را در ذهن دارد که سنگ در آینده چه شکلی خواهد شد. این شکل تنها دلیلی است که او ادامه می‌دهد. سنگتراش می‌گوید: «اگر عکس در ذهنم نبود و عشق به سنگ نداشتم، اصلاً شروع به کار نمی‌کردم و وقتی برای اولین بار به سنگ ضربه می‌زنم، وارد رابطه‌ای زنده با سنگ می‌شوم. من با سنگ صحبت می‌کنم و سنگ با من.» اینگونه سنگ کثیف به اثر هنری زیبا تبدیل می‌شود. همانطور که سنگ تراش کار خود را توصیف می‌کند، پولس نیز کار روح القدس را در کارگاه خدا توصیف می‌کند. روح القدس تصویری روشن و غیر مبهم از آنچه قرار است برای ما رخ دهد دارد، و او دارای عشق هم است. عشق او به ماست. حتی اگر الان ناپاک باشیم و اصلاً دوست داشتنی به نظر نرسیم. اما تصویری که روح القدس همیشه در برابر خود دارد، خود عیسی مسیح است. روح القدس می‌خواهد که ما به شکل عیسی باشیم. اما الان ما انسانها تنها موادی هستیم که روح القدس از آنها استفاده می‌کند. ما باید افرادی باشیم که شبیه مسیح هستند. اما ما هنوز به این هدف نرسیده ایم. درست مثل صخره‌ای که از خاک بیرون آمده است، گاهی اوقات ما کوتاه نظر و سرد هستیم و زشت به نظر می‌رسیم. اما تصویر مقابل چشمان روح القدس متفاوت است. و به همین دلیل است که روح القدس هرگز تسلیم نمی‌شود و مدام به سوی ما باز می‌گردد. این عکس از کارگاه سنگ تراشی وضعیت ما را خیلی خوب توضیح می‌دهد. زیرا دو تا هویت مسیحیان را توصیف می‌کند.. از یک طرف ما ناپاک هستیم از طرف دیگر هویت مسیح برای ما صدق می‌کند: سنگ کثیف و همچنین مسیحی که به او تعمید یافته ایم به کار می‌آیند. از یک سو ما واقعیت زندگی روزمره خود را می‌بینیم. گناهان و همچنین خطاهای بسیاری وجود دارند که ما بارها و بارها مرتکب می‌شویم. از سوی دیگر، تصویر مسیح در مورد ما نیز صدق می‌کند. این تصویر نیز به ما تعلق دارد زیرا در مسیح تعمید یافته ایم. این روح القدس است که تصویر دقیق را در مقابل چشمان خود دارد. اوست که تصویر مسیح را برای ما می‌سازد. اوست که با قوه‌ی تخیل و قدرت در ما کار می‌کند تا شبیه مسیح شویم. روح القدس همه این کارها را انجام می‌دهد، اگر چه شباهت کنونی به تصویر آینده هنوز آشکار نیست. این تصویر روح القدس که الان در ما کار می‌کند باید ما را تشویق کند. چون به ما نشان می‌دهد که ما سنگتراش نیستیم. نه، ما فقط یک سنگ سرد هستیم. اما این روح القدس است که در ما کار می‌کند. و بنابراین اگر نتوانیم 10 فرمان را حفظ کنیم. و اگر نتوانیم دعا کنیم. یا حتی نتوانیم باور کنیم، می‌دانیم که روح القدس همچنان توانایی به ما می‌دهد که خودمان نمی‌توانیم آن را انجام دهیم. یکشنبه امروز بین روز صعود مسیح و پنطیکاست است. در همین روز آشکار است که در انتظار روح القدس هستیم.

شاگردان عیسی در حالی که منتظر روح القدس بودند برای ما نمونه هستند. بین صعود مسیح و پنتیکاست آنها در شرایط تقریباً غیرقابل تحملی زندگی می کردند. پشت سر آنها مسیح و تمام کارهای شگفت انگیزش بود. همین شاگردان از وعده روح القدس اطلاع داشتند. اما نمی توانستند درک کنند چگونه همین روح القدس به کمک آنها خواهد آمد. بنابراین تمام کارهایی که مسیح انجام داده بود هنوز برای آنها معنی نداشتند. آنها در برابر شیطان و جهان ناتوان بودند. ما مسیحیان مشابه آنها زندگی می کنیم. تمام آنچه مسیح برای ما انجام داده در گذشته است. ما امیدواریم که روح القدس ما را تغییر دهد و از ما تصویری زنده از مسیح بسازد. اما دنیا و زمان حال ما را اغوا می کنند. اغلب دردناک است که ما هنوز آن مخلوقی نیستیم که قرار است باشیم. در این شرایط مزبور امروز را می خوانیم: « خداوندا، چون بخوانم، آوازم را بشنو؛ مرا فیض ببخشا و اجابتم فرما! » (مزور 27:7).

همانطور که به این طریق خدا را فریاد می زنیم، با امید به آینده می نگریم و منتظریم تا روح القدس کار خود را در ما انجام دهد. و آه می کشیم. و روح القدس در ما ناله می کند: و همینگونه متوجه می شویم که رفته رفته به تولد تازه مسیح می رسیم. همانطور که شما می توانید تغییر سنگ را در کارگاه سنگ تراشی مشاهده کنید، ما نیز می توانیم تغییر انسانی را تجربه کنیم. و این یک معجزه است. این معجزه ای است که فقط خدا می تواند در ما انجام دهد. انسانی نیست. و چون انسان هستیم و سنگ نیستیم، می توانیم خود را در آینه ببینیم یا خود را با دیگران مقایسه کنیم. خیلی سریع به این ایده اشتباه می رسیم که باید خودمان را تغییر دهیم. مثل کسی که به آینه نگاه می کند و صورتش را پاک می کند... به اشتباه فکر می کنیم که کار ماست و کار خدا نیست. همینگونه تصویری تحریف شده از مسیح پیش می آید. و به عدم صداقت و به تعصب منجر می شود. حتی گاهی دیگران را که به نظر ما خوب نیستند بر اساس عقایدمان قضاوت می کنیم. ما در این مورد اشتباه می کنیم. ما اخلاق یا چیزهای بیرونی را تغییر می دهیم. و با این حال ما از خدا دور هستیم و احساس ناپاک در قلب داریم. در این شرایط ما کاملاً گم شده ایم. به این ترتیب ما از کار روح القدس فاصله گرفته ایم. ما دیگر خدا را در زندگی خود نمی خواهیم. ما ترجیح می دهیم این کار را به تنهایی بدون خدا انجام دهیم. و اینجاست که ما شکست می خوریم. گاهی اوقات متوجه می شویم که در انتهای ایمان خود هستیم. گاهی فکر می کنیم خدا وجود ندارد. یا اینکه او به ما اهمیتی نمی دهد. گاهی اوقات ما دستورات خدا را لگدمال می کنیم یا نمی توانیم در برابر هجوم شیطان بایستیم. گاهی اوقات ما اصلاً نمی توانیم دعا بخوانیم. در همین شرایط روح القدس ما را همانطور که هستیم صدا می کند و هنوز ما را دوست دارد. ما که کثیف، ناراحت کننده، متناقض هستیم. و اوست که بر ما انسان های ضعیف کار می کند. در متن خطبه ما بارها و بارها با حروف درشت نوشته شده است: روح به رفع ضعف ما کمک می کند. ذهن قلب ها را کاوش می کند. روح القدس ذهنم را کشف می کند. روح برنامه ریزی می کند. روح پیش بینی می کند. روح تماس می گیرد. روح عادل می سازد. اوست که در ما کار می کند. چگونه می تواند غیر از این باشد. حتی اگر سنگ مرده باشد سنگ تراش زندگی تازه به او می دهد تا سنگ سرد مخلوق خدا شود. آمین